

تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۳

کارکردهای بخش تعاون در تسهیل اشتغال زنان دانش‌آموخته کشاورزی شهرستان همدان

احمد یعقوبی فرانی^{۱*}، غلامحسین حسینی نیا^۲، مهسا معتقد^۳، لیلا زلیخایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۵

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی کارکردهای بخش تعاون در تسهیل فرایند خوداشتغالی زنان دانش‌آموخته کشاورزی جویای کار در شهرستان همدان و به شیوه تحقیقات پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را زنان دانش‌آموخته رشته‌های کشاورزی در شهرستان همدان تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها بر اساس آمارهای موجود در زمان انجام تحقیق، ۱۶۵۴ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۱۲۰ نفر تعیین شد. پرسش‌نامه مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق حاضر بود که روایی آن توسط متخصصان فن تأیید شد و برای بررسی پایایی پرسش‌نامه نیز ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که رقم ۰/۹۴ به دست آمد. با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی، کارکردهای بخش تعاون در زمینه‌سازی برای خوداشتغالی زنان دانش‌آموخته کشاورزی در چهار گروه دسته‌بندی شدند. عامل اول با توجه به متغیرهای تشکیل دهنده آن، "ظرفیت‌سازی انگیزشی- نهادی" نام گرفت و با تبیین ۲۶/۳۷ درصد از واریانس به عنوان مهم‌ترین عامل معرفی شد. این عامل همراه با سایر کارکردها نظیر "خدمات آموزشی- مشورتی"، "تعامل با محیط‌های دانشگاهی" و کارکردهای "هدایتی- حمایتی" در مجموع ۷۰/۷۵ درصد از واریانس کارکردهای ضروری برای خوداشتغالی زنان را تبیین نمودند.

واژه‌های کلیدی: خوداشتغالی، زنان دانش‌آموخته، کشاورزی، تعاون

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

E-mail: amyaghoubi@yahoo.com

* نویسنده مسئول

۲. استادیار گروه کسب و کار جدید، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

۴. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

مقدمه

موضوع پیچیده اشتغال در جهان امروز توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، دولتمردان و کارشناسان را به خود جلب نموده است. بدیهی است ترکیب جمعیت جوان و سیل متقاضیان کار، به ویژه در میان دانش‌آموختگان، ضرورت پرداختن بیشتر به این مسئله را از ابعاد مختلف در کشور ایجاد می‌نماید. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری در جامعه می‌باشد و بر اساس مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور، سالانه باید بیش از ۹۴۰ هزار فرصت شغلی جدید ایجاد گردد (موسوی، ۱۳۹۰).

موضوع اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی حساسیتی دوچندان را طلب می‌کند، چرا که از یک سو دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، به‌عنوان سرمایه‌های انسانی متخصص کشور، از دانش و مهارت لازم برخوردارند و با اشتیاق بسیار، متقاضی مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشورند و از سوی دیگر، پیشبرد عالمانه برنامه‌های اقتصادی کشور به وجود آن‌ها نیاز دارد (گل‌محمدی، ۱۳۸۴). بنابراین، اشتغال مؤثر نیروی انسانی متخصص، که یکی از اهداف توسعه هر کشوری محسوب می‌شود، می‌بایست در برنامه‌های کلان مد نظر قرار گیرد. اگر این امر محقق نشود و تعداد دانش‌آموختگان با ظرفیت‌های اشتغال موجود در کشور متناسب نباشد، آثار بسیار نامطلوبی بر جای خواهد گذاشت (علی‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۹).

در مورد دانش‌آموختگان بخش کشاورزی، کشور ما با شرایط حادثتری مواجه است به گونه‌ای که بررسی‌ها در خصوص وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در این بخش نشان از این واقعیت تلخ دارد که در سال ۱۳۹۰، تقریباً ۲۳۳ هزار دانش‌آموخته بیکار در رشته‌های کشاورزی در جستجوی کار مناسب و مرتبط با رشته خود بوده‌اند. همچنین آمارها حاکی از آن است که نرخ بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی در بین کل دانش‌آموختگان دانشگاهی کشور در بالاترین سطح و در حدود دو برابر نرخ بیکاری در بین سایر توده‌های بیکار در کل کشور بوده است (سازمان نظام مهندسی استان همدان، ۱۳۹۱). در این میان، نرخ بیکاری در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی زن

در رشته‌های کشاورزی بسیار حادث‌تر بوده به گونه‌ای که این نرخ در حدود ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۸ گزارش شده است و با افزایش چشمگیر پذیرش دختران در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از ۱۳۷۸، کشور با شکل پیچیده‌تری از افزایش بیکاری زنان دانش‌آموخته مواجه شده است. با نگاهی به جایگاه زنان در ترکیب جمعیت، نظام آموزش عالی و اشتغال روشن می‌شود که زنان نقش و جایگاه شایسته خود را در زمینه‌های اقتصادی نیافته‌اند. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ۱۳۸۵ نیز گویای نرخ مشارکت ۱۶/۶ درصدی زنان بوده که حاکی از عدم بهره‌گیری شایسته از این بخش از نیروی انسانی در ایران است. آمارهای بیکاری بر پایه این سرشماری همچنین نشان می‌دهد که نرخ بیکاری زنان همواره از نرخ بیکاری مردان و نرخ بیکاری در کشور بالاتر بوده است (علوی‌راد، ۱۳۹۱). این در حالی است که بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند یکی از مهم‌ترین معیارها برای ارزیابی توسعه‌یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتبار زنان در آن کشور است و بدون مشارکت زنان راه برای توسعه هموار نخواهد شد (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱). بدین ترتیب زنان دانش‌آموخته، که می‌توانستند با ورود به این بخش و کار و تلاش در بخش کشاورزی باعث پیشرفت و توسعه و خودکفایی در این بخش شوند، اکثراً یا در این بخش نتوانستند مشغول به کار شوند و بیکار مانده‌اند و یا به اشتغال در سایر بخش‌های غیر مرتبط با دانش و تخصص خود روی آورده‌اند (علوی‌راد، ۱۳۹۱). بدون شک در فرایند توسعه بخش کشاورزی، استفاده از نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده یکی از اقدامات لازم و اساسی محسوب می‌شود، زیرا از یک طرف رسیدن به خودکفایی در تولید محصولات راهبردی با توجه به دانش و تجربه عملی و مهارت‌ها و لیاقت‌های این افراد امکان‌پذیر خواهد بود و از طرف دیگر، هزینه‌های مالی و زمانی تقبل شده از سوی دولت، خانواده و خود دانش‌آموختگان در طی دوران تحصیل جبران می‌شود (صباحی، ۱۳۸۰). در این زمینه، شهبازی و علی‌بیگی (۱۳۷۵) نیز معتقدند پایداری و پویایی توسعه کشاورزی و عمران روستایی یک کشور مستلزم بهره‌مندی از سرمایه‌های انسانی ماهر و متخصص در آن کشور است. در همین زمینه و به منظور بهره‌گیری شایسته‌تر از ظرفیت و

توان جمعی دانش‌آموختگان، تشکیل شرکت‌های تعاونی یکی از راهکارهای مناسبی است که از سوی متخصصان امر توصیه می‌شود. از سویی، شرکت‌های تعاونی نیز در صورتی قادر به حفظ و بقای خود هستند که توسط افرادی شایسته و دارای دانش و صلاحیت راه‌اندازی، مدیریت و هدایت گردند (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۵). بدین ترتیب، تعاونی‌ها، در حکم یکی از اشکال سازمان‌های مردمی، دارای قابلیت‌های فراوانی برای ایفای نقش ظرفیت‌سازی و توسعه اشتغال دانش‌آموختگان می‌باشند (رحیمی و واحدچوکده، ۱۳۸۷). عباسی (۱۳۷۹) نیز بر این باور است که بخش تعاون می‌تواند با ایجاد و توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی، در راستای ایجاد فضای مناسب برای افزایش منابع ملی، کاهش نرخ بیکاری، تعادل ساختاری و توسعه روستاها گامی مثبت بردارد. همچنین به اعتقاد رودریگز (Rodriguez, 2003)، با ایجاد و ارتقای تعاونی‌ها می‌توان در راستای توسعه و گسترش کسب و کارهای جدید در روستاها و پیشبرد برنامه‌های توسعه روستایی اقدام نمود.

بنابراین، بخش تعاون با توجه به محتوای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، که سهمی ۲۵ درصدی در ایجاد اشتغال برای آن پیش‌بینی شده است، و نیز به واسطه برخورداری از حمایت و پشتیبانی دولت و توان تجمیع سرمایه‌های کوچک می‌تواند بهترین فضا را در جهت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها فراهم آورد (نیک‌یار، ۱۳۸۴)؛ به عبارتی، بخش تعاون را می‌توان واجد پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مناسبی برای جذب دانش‌آموختگان زن در بخش کشاورزی دانست که مدیریت صحیح می‌تواند هدایت ظرفیت‌های شغلی ویژه زنان در بخش کشاورزی و به تبع آن، کاهش نرخ بیکاری این قشر را در پی داشته باشد. بر همین اساس، شناسایی کارکردهای عمده بخش تعاون در زمینه سازی و هدایت فرایند اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی زن جویای کار مسئله‌ای است که در این تحقیق مد نظر قرار گرفته و با توجه به تنوع کارکردهای این بخش، سعی شده است تصویری از مهم‌ترین کارکردهای ضروری برای هدایت و توسعه فرایند اشتغال دانش‌آموختگان زن در بستر نظام تعاون ارائه شود.

پیشینه تحقیق

به رغم مطالعات زیادی که در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان انجام پذیرفته است، بررسی‌های صورت گرفته در مورد کارکرد و جایگاهی که بخش تعاون می‌تواند در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان، به ویژه دانش‌آموختگان زن در رشته‌های کشاورزی، داشته باشد بسیار محدود است. در ادامه، تلاش شده به مطالعات انجام پذیرفته در خصوص نقش تعاونی‌ها در ایجاد فرصت‌های شغلی پرداخته شود.

بر اساس یافته‌های وونگ و همکاران (Wong et al., 2005)، داشتن تجربه شغلی و آشنایی با پیچیدگی‌های فرایند کسب و کار و ضرورت پرداختن به ابعاد مختلف فعالیت‌ها و تکمیل تخصص‌های مورد نیاز از طریق فعالیت‌های جمعی در توسعه تعاونی‌ها و شرکت‌های تجاری مؤثر می‌باشد.

طبق پژوهش آنتونیک و هیستریچ (Antonicic & Hisrich, 2001)، حمایت‌های مدیریت سازمان از هرگونه رفتار کارآفرینانه باعث ترویج فعالیت‌های کارآفرینانه در سازمان خواهد شد. هایتون (Hayton, 2002) در تحقیقی با هدف بررسی تأثیر تغییرات سازمانی بر میزان کارآفرینی در تعاونی‌ها به این نتیجه رسید که بین روحیه جمع‌گرایی و نهادینه کردن کارآفرینی رابطه‌ای نزدیک برقرار است. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق وی حاکی از آن است که سازوکارهای اداری و هم‌خوانی فعالیت‌های اداری با محیط پیرامون خود باعث توسعه کارآفرینی در این نهاد شده است.

علوی راد (۱۳۹۱) در تحقیقی، اشتغال زنان در ایران و آینده اشتغال زنان دانش‌آموخته را بررسی نموده است. نتایج این مطالعه نشان داد که موج دوم بیکاری زنان دانش‌آموخته تا سال ۱۳۹۳ در ایران فراگیر خواهد بود. همچنین طی سال‌های اخیر، نرخ حضور زنان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بیش از ۵۵ درصد بوده است در حالی که بیش از ۵۰ درصد دختران دانش‌آموخته بیکار بوده‌اند.

علی آبادی و همکاران (۱۳۸۹) یکی از راه‌حل‌های مناسب و مطلوب برای افزایش فرصت‌های شغلی دانش‌آموختگان را تشکیل شرکت‌های تعاونی می‌دانند. آن‌ها در مطالعه خود، الزامات شکل‌گیری تعاونی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی را در چهار دسته الزامات فردی-حرفه-ای، الزامات اقتصادی، الزامات فرهنگی-اجتماعی و الزامات اداری دسته‌بندی نمودند.

صمدی (۱۳۸۹) در بررسی راه‌های توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی در بخش تعاون و عوامل مؤثر بر آن، سه دسته عوامل زمینه‌ای (محیط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)، عوامل ساختاری (توانمندی‌ها، منابع و امکانات) و عوامل رفتاری (شخصیت، فرصت‌شناسی، خلاقیت) را مورد مطالعه قرار داد و به این نتیجه رسید که اگر چه هر سه عامل در کارآفرینی و اشتغال‌زایی در تعاون مؤثرند، اما عوامل ساختاری (درون شرکتی) تأثیر بیشتری نسبت به عوامل زمینه‌ای و رفتاری دارد.

نتایج تحقیق اورنگی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که بین نگرش دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش تعاون با متغیرهای دانش و آگاهی آن‌ها، ارائه مشوق‌ها به بخش تعاون، نیازهای آموزشی، موانع موجود در تشکیل تعاونی‌ها و سن پاسخگویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه در مورد دانش و مشوق‌ها مثبت و در مورد نیازهای آموزشی، موانع و سن پاسخگویان منفی است. همچنین میان نگرش دانش‌آموختگان از نظر نوع دانشگاه، جنسیت، دانشجوی یا دانش‌آموخته بودن و مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. موحدی و همکاران (۱۳۸۹) راهکارهای زیر را در بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی مؤثر دانستند: برقراری ارتباط تنگاتنگ بین انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی و شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در بازار کار، اصلاح و تغییر برنامه‌های درسی کشاورزی در دانشگاه‌ها به طور منظم و متناسب با نیاز مراکز کاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مرتبط با کشاورزی در بخش‌های غیردولتی اعم از خصوصی و تعاونی و سازمان‌های غیردولتی.

بر مبنای یافته‌های تحقیق عباسی و قلی قورچیان (۱۳۸۸)، دانش‌آموختگان نظر نسبتاً مساعدی نسبت به بخش تعاون و انجام فعالیت اقتصادی در بستر نظام تعاونی دارند. همچنین

مجموعه عوامل متنوعی نظیر آگاهی از فرصت‌ها و زمینه‌های شغلی (وضعیت بازار کار)، آشنایی با نحوه تشکیل شرکت‌های تعاونی و آگاهی از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بخش تعاون، آشنایی با حمایت‌های دولت از بخش تعاون، وجود انگیزه قوی در دانش‌آموختگان برای کسب درآمد بیشتر (انگیزه اقتصادی) و حمایت‌های مورد نیاز مالی و تجهیزاتی در روند شکل‌گیری تعاونی‌ها ضرورت دارند.

رسولی‌آذر و چیدری (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان «بررسی جایگاه تعاونی‌های کشاورزی در اشتغال مولد و کارآفرین» عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینان را به دو دسته عوامل شخصیتی و عوامل محیطی تقسیم نمودند. آن‌ها خودشناسی و خودباوری، نواندیشی و نوگرایی، اعتقاد به کسب مهارت و قابلیت بیشتر و برتر، شناخت کامل عوامل محیط اطراف خود، شناخت ضعف‌های خود، شناخت ریسک، نحوه پذیرش و چگونگی محاسبه آن، احساس تغییر در زندگی، نیاز به کسب موفقیت را به عنوان عوامل شخصیتی و نوع تربیت، گرایش‌های کسب و کار در خانواده، شرایط اقتصادی، بازار سرمایه، منابع مالی، طرح‌های حمایت از فعالیت‌های کارآفرینان، نظام ارزشی اقتصادی حاکم بر جامعه، وجود بازارهای مصرفی، سطح رقابت موجود و وضعیت نوآوری و میزان ارزش مداری آن را در زمره عوامل محیطی دسته بندی کردند.

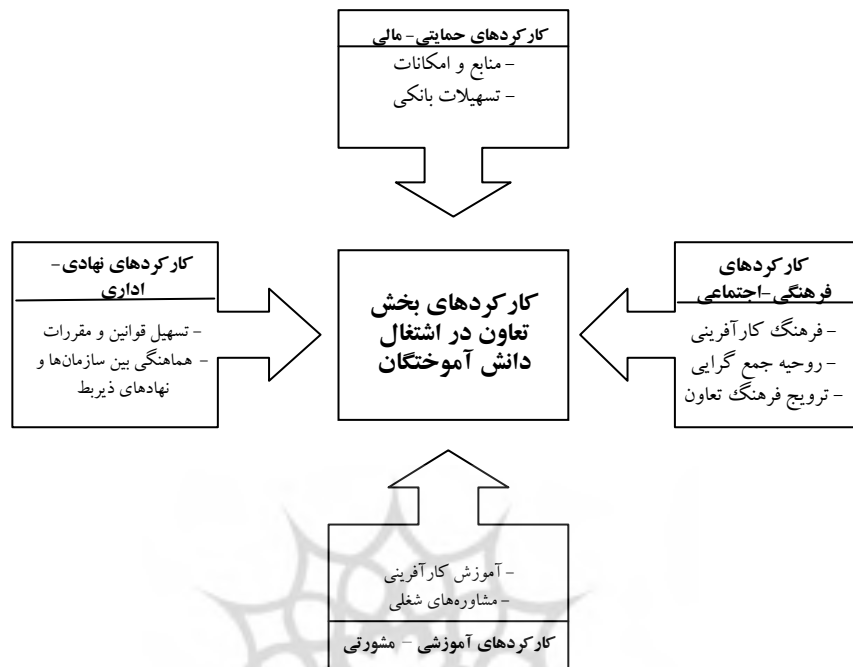
اردکانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «موانع کارآفرینی و اشتغال در تعاونی‌ها» به این نتیجه رسید که موانع قانونی، فنی و تکنولوژیکی، اداری، فرهنگی و مالی به ترتیب مهم‌ترین موانع اشتغال و کارآفرینی در بخش تعاون می‌باشند.

سعدی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی چالش‌های تعاونی‌های تولید کشاورزی در کارآفرینی و ایجاد اشتغال» توسعه فرهنگ کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، وجود محیط فیزیکی مناسب، وجود سرمایه انسانی و فضای مشارکتی، وجود سازمان‌های حامی حرکت‌های کارآفرینانه، امکان عرضه کالاها و خدمات ایجاد شده در تعاونی و وجود انگیزه پیشرفت در جامعه را پیش شرط‌های لازم کارآفرینی معرفی کردند و به این نتیجه رسیدند که دسترسی نداشتن به سرمایه

و امکانات، گرایش تعاونی‌ها به دولت، ایجاد تردید در مورد ارکان تعاونی و ضعف آموزش اعضای تعاونی از مهم‌ترین چالش‌های کارآفرینی در تعاونی‌های تولیدند.

گل محمدی (۱۳۸۴) نیز آموزش کارآفرینی و توسعه تعاونی‌ها را دو راهکار اساسی اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان کشاورزی در شرایط جهانی شدن در اقتصاد ایران دانسته است. همچنین فرزین‌فر (۱۳۸۴) ارائه تسهیلات حمایتی بموقع و به‌اندازه را عامل اصلی در شکل‌گیری تعاونی‌ها - به ویژه برای افراد فاقد توانمندی‌های مالی و دانش‌آموختگان دانشگاهی دانسته است.

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان دریافت که هدایت و توسعه ظرفیت‌های شغلی دانش‌آموختگان در بستر نظام تعاون نیازمند هم‌گرایی مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌ها در سطوح کلان و خرد و نیز کنشگری و تعامل مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌ها با کارکردهای متنوع حمایتی، هدایتی، آموزشی، ساختارسازی و غیره می‌باشد که دستیابی به آن‌ها در گرو همکاری بخش‌های مختلف دولتی، غیردولتی و به‌طور خاص بخش تعاون می‌باشد. از همین رو، در این تحقیق سعی شده است با نوعی کل‌نگری و در عین حال توجه به جزئیات کارکردهای ضروری برای هدایت فرایند اشتغال در بستر نظام تعاون، به بررسی و تحلیل مهم‌ترین کارکردهای اساسی قابل توجه بخش تعاون برای تسهیل اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان زن جویای کار پرداخته شود. بنابراین، با توجه به یافته‌های تحقیقات اشاره شده و متغیرهای استخراج شده از این تحقیقات، می‌توان کارکردهای بخش تعاون در اشتغال زنان دانش‌آموخته کشاورزی و منابع طبیعی را به صورت مدل مفهومی زیر خلاصه کرد:



روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مهم ترین کارکردهای بخش تعاون در تسهیل اشتغال دانش آموختگان زن جویای کار در رشته های کشاورزی در سال ۱۳۹۱ به صورت پیمایشی انجام گرفت. در این روش، با انتخاب و مطالعه نمونه ای منتخب از جامعه، فراوانی و توزیع و روابط بین متغیرها بررسی شد. در تحقیق پیمایشی، عمومی ترین روش برای جمع آوری اطلاعات پرسش نامه است. پرسش نامه این تحقیق از سه بخش ویژگی های فردی، نگرش دانش آموختگان نسبت به تشکیل شرکت تعاونی و نیز دیدگاه پاسخگویان در خصوص کارکردهای نظام تعاون در اشتغال دانش آموختگان تشکیل شده است. روایی پرسش نامه با بهره گیری از نظرات متخصصان فن (تعدادی از کارشناسان بخش تعاون و اعضای هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا) تأیید شد. برای بررسی پایایی ابزار تحقیق نیز پرسش نامه در اختیار تعدادی از دانش آموختگان زن رشته های کشاورزی قرار گرفت و نتایج آن بررسی گردید و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۴ به دست آمد که رقم قابل قبولی است.

جامعه آماری این تحقیق را دانش‌آموختگان زن رشته‌های کشاورزی در شهرستان همدان تشکیل دادند که به صورت تصادفی ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب و دیدگاه‌های آن‌ها در خصوص کارکردهای بخش تعاون در اشتغال دانش‌آموختگان مورد بررسی قرار گرفت. تعداد دانش‌آموختگان زن در رشته‌های کشاورزی در شهرستان همدان بر اساس آمارهای موجود (با تأکید بر آمار سازمان نظام مهندسی کشاورزی استان همدان) در زمان انجام تحقیق، ۱۶۵۴ نفر بود که برای تعیین حجم نمونه، پس از انجام یک پیش‌آزمون بر روی ۳۰ نفر از دانش‌آموختگان زن و مشخص شدن پیش‌برآورد واریانس صفت مورد نظر در جامعه آماری، از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران (به شرح زیر) استفاده و تعداد حجم نمونه ۱۱۶ نفر تعیین شد که برای دقت بیشتر، تعداد نمونه‌ها به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. برای انتخاب نمونه‌های تحقیق در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. در بخش توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی فراوانی، درصد، انحراف معیار، واریانس و میانگین بهره گرفته و از تحلیل عاملی به منظور دستیابی به عوامل کلیدی استفاده شد.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

$$n = \frac{1654 \times (2)^2 \times (2.8)^2}{1654 \times (0.5)^2 + (2)^2 \times (2.8)^2} = 116 \approx 120$$

که در آن n حجم نمونه، N حجم جامعه، t ضریب اطمینان قابل قبول ($t=1/96$)، d دقت احتمالی مطلوب و S پیش‌برآورد واریانس متغیر جامعه است

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

با توجه به یافته‌های تحقیق، میانگین سن افراد مورد مطالعه ۲۵/۸۹ سال با انحراف معیار ۳/۵۸ سال می‌باشد. اکثریت افراد مورد مطالعه (۴۶/۷ درصد) مدرک کارشناسی دارند و توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گرایش تحصیلی نشان می‌دهد که ۲۱/۷ درصد از دانش‌آموختگان زن در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، ۲/۵ درصد در رشته ماشین‌آلات کشاورزی، ۲۰/۸ درصد

در رشته آبیاری، ۱۰/۸ درصد در رشته خاکشناسی، ۹/۲ درصد در رشته توسعه روستایی، ۶/۷ درصد در رشته باغبانی، ۱۰ درصد در رشته گیاه پزشکی، ۸/۳ درصد در رشته زراعت، ۵ درصد در رشته علوم دامی، ۱/۷ درصد در رشته صنایع غذایی و ۳/۳ درصد در رشته مرتعداری تحصیل کرده‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اکثریت دانش‌آموختگان زن (۷۰/۸ درصد) در دانشگاه‌های دولتی تحصیل نموده‌اند و ۸۹/۳ درصد از آنان نیز اظهار کرده‌اند که تا به حال تجربه خوداشتغالی نداشته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی ویژگی‌های فردی دانش‌آموختگان

متغیر	فراوانی	درصد	ملاحظات
سن	۲۱ تا ۲۵ سال	۷۳	میانگین = ۲۵/۸۹
	۲۶ تا ۳۰ سال	۳۴	انحراف معیار = ۳/۵۸
	۳۱ تا ۳۷ سال	۱۳	
میزان تحصیلات	فوق دیپلم	۱۱	
	لیسانس	۵۶	نما = لیسانس
	فوق لیسانس	۴۸	
	دکتری	۵	
رشته تحصیلی	ترویج کشاورزی	۲۶	۲۱/۷
	آبیاری	۲۵	۲۰/۸
	خاکشناسی	۱۳	۱۰/۸
	توسعه روستایی	۱۱	۹/۲
	ماشین آلات	۳	۲/۵
	باغبانی	۸	۶/۷
	زراعت	۱۰	۸/۳
	علوم دامی	۶	۵/۷
	گیاه پزشکی	۱۲	۱۰
	صنایع غذایی	۲	۱/۷
دانشگاه محل تحصیل	دولتی	۸۵	۷۰/۸
	آزاد	۱۶	۱۳/۳
	پیام نور	۱۵	۱۲/۵
	غیرانتفاعی	۲	۱/۷
	علمی کاربردی	۲	۱/۷
تجربه خوداشتغالی	بلی	۱۲	نما = نداشتن
	خیر	۱۰۸	تجربه خوداشتغالی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نگرش دانش‌آموختگان زن نسبت به تشکیل شرکت تعاونی

به منظور بررسی نگرش دانش‌آموختگان زن نسبت به تشکیل شرکت تعاونی از ۱۵ گویه با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، گویه "مشارکت عادلانه اعضا در تأمین سرمایه و نظارت دموکراتیک آن‌ها بر امور تعاونی، عامل گرایش دانش‌آموختگان به شرکت‌های تعاونی است" با کمترین ضریب تغییرات (۰/۰۵۷) دارای بیشترین اهمیت بوده و در اولویت اول قرار گرفته است. همچنین گویه‌های "بخش تعاون می‌تواند سرعت رشد اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان را افزایش دهد" و "با تشکیل شرکت‌های تعاونی هزینه اشتغال‌زایی کاهش خواهد یافت" به ترتیب در اولویت‌های دوم و سوم اهمیت قرار دارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی دانش‌آموختگان بر حسب نگرش آن‌ها نسبت به تشکیل تعاونی

نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل تعاونی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
افزایش اطلاعات دانش‌آموختگان نسبت به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های اشتغال‌زایی بخش تعاون	۴/۴۲	۱/۳۸	۰/۳۱۲
توان بالقوه تعاون جهت جذب سرمایه‌های کوچک مردمی و هدایت آن‌ها به کارآفرینی و تولید	۳/۰۷	۰/۲۲	۰/۰۷۱
راه اندازی شرکت‌های خصوصی در مقایسه با شرکت‌های تعاونی آسان تر است.	۳/۱۳	۰/۲۱	۰/۰۶۷
بخش تعاون می‌تواند سرعت رشد اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان را افزایش دهد.	۳/۲۸	۰/۲۰	۰/۰۶۰
مشارکت عادلانه اعضا در تأمین سرمایه و نظارت دموکراتیک آن‌ها بر امور تعاونی عامل گرایش دانش‌آموختگان به شرکت‌های تعاونی است.	۳/۴۸	۰/۲۰	۰/۰۵۷
هم‌فکری و همکاری افراد در تعاونی موجب هم‌افزایی توانمندی‌های آن‌ها خواهد شد.	۳/۳۲	۰/۲۸	۰/۰۸۴
با تشکیل شرکت‌های تعاونی هزینه اشتغال‌زایی کاهش خواهد یافت.	۳/۲۳	۰/۲۱	۰/۰۶۳

ادامه جدول ۲

۰/۵۸۷	۱/۹۸	۳/۳۷	کاهش ریسک فعالیت در تعاونی‌ها از طریق حمایت‌های دولتی موجب افزایش تمایل دانش‌آموختگان به تشکیل شرکت‌های تعاونی خواهد شد.
۰/۵۷۲	۱/۹۷	۳/۴۴	سیاست‌های حمایتی دولت مهم‌ترین عامل گرایش دانش‌آموختگان به تشکیل تعاونی است.
۰/۵۳۹	۱/۹۶	۳/۶۳	افراد دارای دانش و تخصص تمایل چندانی به کار جمعی در قالب تعاونی ندارند.
۰/۵۴۴	۱/۹۰	۳/۴۹	نظارت دولت بر شرکت‌های تعاونی مانع گرایش دانش‌آموختگان به فعالیت در تعاونی است.
۰/۵۱۱	۱/۹۵	۳/۸۱	فعالیت در قالب شرکت‌های تعاونی مانع رشد قابلیت‌ها و استعدادهای فردی می‌شود.
۰/۵۴۳	۱/۹۳	۳/۵۵	دانش‌آموختگان به سبب ضعف روحیه کار جمعی تمایلی به فعالیت در قالب تعاونی‌ها ندارند.
۰/۵۳۴	۱/۸۸	۳/۵۲	افراد کارآفرین تمایلی به اشتراک فکر و ایده خود در قالب شرکت‌های تعاونی ندارند.
۰/۴۷۲	۱/۸۶	۳/۹۴	وجود قوانین و مقررات تعاونی‌ها مانع گرایش دانش‌آموختگان به تشکیل تعاونی می‌باشد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به منظور توصیف متغیر نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل شرکت تعاونی از روش "فاصله انحراف معیار از میانگین" استفاده شد (Sadighi & Mohammadzadeh, 2002) و نوروژی و چیذری، ۱۳۸۵). در این روش، تبدیل امتیازهای به دست آمده به چهار سطح به شرح زیر برآورد می‌شود:

$A < \text{Mean} - \text{St.d}$

A: نگرش نامساعد

$\text{Mean} - \text{St.d} < B < \text{Mean}$

B: نسبتاً نامساعد

$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{St.d}$

C: نگرش نسبتاً مساعد

D> Mean + St.d

D: نگرش مساعد

Mean: میانگین نگرش افراد

St.d: انحراف معیار نگرش افراد

بنابراین، افرادی که نمره کمتر از ۴۱/۵ کسب کرده‌اند دارای نگرش نامساعد، افراد با نمره ۴۱/۵ - ۴۹ دارای نگرش نسبتاً نامساعد، افراد با نمره ۴۹ - ۵۶/۵ دارای نگرش نسبتاً مساعد و افراد با نمره ۵۶/۵ - ۷۴ دارای نگرش مساعد نسبت به تشکیل شرکت تعاونی می‌باشند. با توجه به داده‌های جدول ۳، از آنجا که بیشترین فراوانی (۳۸/۳ درصد) مربوط به گروه دوم (۴۹-۴۱/۵) است، بنابراین، نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل شرکت تعاونی نسبتاً نامساعد است. علاوه بر این، نگرش ۳۷/۵ درصد از افراد مورد مطالعه در این پژوهش نسبتاً مساعد می‌باشد و لذا می‌توان گفت که نگرش ۷۶ درصد از دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل شرکت تعاونی در جهت مثبت بوده که تمایل قابل ملاحظه‌ای نسبت به تشکیل شرکت تعاونی دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش صمدی (۱۳۸۹)، عباسی و قلی‌فورچیان (۱۳۸۸)، نیک‌پار (۱۳۸۴) و هوشمند (۱۳۸۴) هم‌خوانی دارد. از دیگر موضوعات مورد بررسی در این تحقیق، میزان آشنایی دانش‌آموختگان با بخش تعاون و اهداف و برنامه‌های اشتغال‌زایی این بخش بود که در این زمینه یافته‌های تحقیق نشان داد میزان آشنایی این افراد در حد پایین‌تر از حد متوسط بوده و تنها در حدود ۲۰ درصد افراد در حد زیاد با بخش تعاون و اهداف و برنامه‌های اشتغال‌زایی آن آشنایی داشتند که این موضوع ضرورت توجه بیشتر به برنامه‌های مناسب برای آگاه‌سازی جامعه هدف با بخش تعاون و برنامه‌ها و اهداف این بخش را نمایان می‌سازد.

جدول ۳. توزیع فراوانی نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل شرکت تعاونی

نگرش	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
نامساعد	۱۵	۱۲/۵	۱۲/۵
نسبتاً نامساعد	۴۶	۳۸/۳	۵۰/۸
نسبتاً مساعد	۴۵	۳۷/۵	۸۸/۳
مساعد	۱۴	۱۱/۷	۱۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

عوامل مؤثر بر نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل تعاونی

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که همبستگی معنی‌دار و منفی بین سن و نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل تعاونی وجود دارد؛ بنابراین، هر قدر سن دانش‌آموختگان کمتر باشد، نگرش بهتری نسبت به تشکیل تعاونی دارند. اورنگی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در مطالعه خود به همین نتیجه دست یافتند. بین نگرش و آشنایی با اهداف و برنامه‌های بخش تعاون رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد بدین معنا که افرادی که آگاهی و دانش بیشتری نسبت به تعاونی‌ها دارند دارای تمایل بیشتری نیز به اشتغال در بخش تعاون هستند.

جدول ۴. ضرایب همبستگی نگرش دانش‌آموختگان نسبت به تشکیل تعاونی (متغیر وابسته) و

متغیرهای تحقیق

متغیر	جنس متغیر	آزمون مورد استفاده	مقدار محاسبه شده	سطح معنی‌داری
سن	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۳۲۲	۰/۰۰۰**
وضعیت تأهل	اسمی دوجهی	من ویت نی	-۱/۲۰	۰/۲۲۷
رشته تحصیلی	اسمی چندوجهی	کروسکال والیس	۹/۵۲	۰/۳۹۰
معدل	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۰۴۹	۰/۵۹۷
میزان تحصیلات	ترتیبی	اسپیرمن	۵/۵۳	۰/۰۶۳
آشنایی با اهداف و برنامه‌های تعاون	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۰۶۳	۰/۰۴۹۶*

مأخذ: یافته‌های تحقیق

*: معنی‌دار در سطح ۵ درصد **: معنی‌دار در سطح ۱ درصد

گروه‌بندی کارکردهای تعاون برای اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان کشاورزی زن جویای کار به منظور دسته‌بندی گویه‌های تحقیق در قالب کارکردهای تعاون برای اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان کشاورزی زن جویای کار و تعیین سهم هر یک از آنها از تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از این تکنیک مناسب بوده ($KMO=0/913$) و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنی‌دار است. در این بررسی، چهار عامل استخراج شدند که نتایج در جدول ۵ به همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوط ارائه شده است.

جدول ۵. عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه و درصد واریانس

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس
عامل اول	۷/۹۱	۲۶/۳۷
عامل دوم	۵/۷۶	۱۹/۲۰
عامل سوم	۴/۵۹	۱۵/۳۲
عامل چهارم	۲/۹۵	۹/۸۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵ نشان می‌دهد که عامل اول (مقدار ویژه برابر ۷/۹۱) بیشترین سهم و عامل چهارم کمترین سهم را در تبیین کل متغیرها داشته‌اند. در مجموع، چهار عامل مذکور ۷۰/۷۵ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین کرده‌اند. در جدول ۶ عوامل استخراج شده به همراه متغیرهای تشکیل‌دهنده هر عامل و بار عاملی مربوط آورده شده است.

جدول ۶. متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به دست آمده از ماتریس

چرخش یافته به شیوه واریماکس

عامل	متغیرها	بارعاملی
ظرفیت سازی انگیزشی - نهادی	ترغیب دانش آموختگان به هدایت فعالیت‌های اقتصادی خود به سمت تعاونی	۰/۶۰۴
	فراهم سازی زمینه مناسب برای بازدید دانشجویان از شرکت‌های تعاونی	۰/۵۵۵
	حمایت از فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانشجویان در قالب فعالیت‌های گروهی	۰/۷۴۹
	تأمین امکانات و تسهیلات ویژه برای تعاونی‌های دانش آموختگان	۰/۵۳۸
	شناسایی و رفع موانع ساختاری و اداری تشکیل تعاونی‌ها	۰/۷۹۸
	تسهیل قوانین و مقررات فعالیت اقتصادی در شرکت‌های تعاونی	۰/۷۴۸
	سازماندهی ارتباط بین نظام‌های آموزشی و محیط کار	۰/۷۷۱
	هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای ذیربط در فرایند توسعه تعاونی‌های دانش آموختگان	۰/۳۳۶
	تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICT)	۰/۷۷۵
	انتخاب و تجلیل از شرکت‌های تعاونی نمونه دانش آموختگان	۰/۷۲۶
کارکردهای آموزشی، مشورتی	تدوین قوانین و دستورالعمل‌های دولتی الزام آور برای حمایت از شرکت‌های تعاونی دانش آموختگان	۰/۷۶۴
	آشنایی دانش آموختگان با ماهیت و اهداف بخش تعاون و شرکت تعاونی	۰/۶۴۰
	افزایش اطلاعات دانش آموختگان نسبت به ظرفیت‌های اشتغال‌زایی بخش تعاون	۰/۶۰۶
	آشنا نمودن دانش آموختگان با قوانین و مقررات تشکیل شرکت‌های تعاونی	۰/۷۰۹
	ارائه مشاوره به دانش آموختگان برای راه اندازی کسب و کارهای تعاونی	۰/۷۵۷
	گذراندن دوره‌های کارآموزی در شرکت‌های تعاونی	۰/۶۰۶
	ایجاد مراکز مشاوره‌ای در دانشگاه برای هدایت شغلی دانشجویان	۰/۵۹۲
تعامل با محیط‌های دانشگاهی	برگزاری دوره‌های آموزشی در دانشگاه‌ها برای آموزش دانش و مهارت مورد نیاز دانشجویان	۰/۷۱۷
	آشناسازی استادان دانشگاه‌ها با اهداف و برنامه‌های بخش تعاون	۰/۷۵۶
	اختصاص دروسی در برنامه‌های آموزشی دانشگاه برای معرفی بخش تعاون	۰/۵۱۶
	حمایت از تشکل‌ها و تعاونی‌های دانشجویی (تمرین فعالیت تعاونی در دوران دانشجویی)	۰/۶۱۷
	حضور مدیران و اعضای تعاونی‌های موفق در ارائه برخی دروس دانشگاهی نظیر کارآفرینی	۰/۵۷۱
کارکردهای هدایتی - حمایتی	حضور مستمر کارشناسان و مدیران بخش تعاون در دانشگاه‌ها	۰/۵۴۵
	برخورداری تعاونی‌های دانش آموختگان از امکانات و تجهیزات مورد نیاز	۰/۷۲۹
	شناسایی علایق و استعدادهای دانشجویان به منظور پرورش و هدایت صحیح آن‌ها به سمت تعاونی	۰/۶۰۱
	ارائه آموزش‌های تخصصی به اعضای شرکت‌های تعاونی دانش آموختگان	۰/۵۳۶
	ارائه مشاوره‌های مدیریتی (مدیریت، بازاریابی، حسابداری) به شرکت‌های تعاونی دانش آموختگان	۰/۷۹۷
	برخورداری تعاونی‌های دانش آموختگان از تخفیف‌های مالیاتی مناسب	۰/۸۳۴
	برخورداری تعاونی‌های دانش آموختگان از تسهیلات و منابع مالی بانکی ویژه	۰/۶۵۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

عامل اول (ظرفیت‌سازی انگیزشی - نهادی)

متغیرهایی که در عامل اول قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: ترغیب دانش‌آموختگان به هدایت فعالیت‌های اقتصادی خود به سمت تعاونی؛ فراهم سازی زمینه مناسب برای بازدید دانشجویان از شرکت‌های تعاونی؛ حمایت از فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانشجویان در قالب فعالیت‌های گروهی؛ تأمین امکانات و تسهیلات ویژه برای تعاونی‌های دانش‌آموختگان؛ شناسایی و رفع موانع ساختاری و اداری تشکیل تعاونی‌ها؛ تسهیل قوانین و مقررات فعالیت اقتصادی در شرکت‌های تعاونی؛ سازماندهی ارتباط بین نظام‌های آموزشی و محیط کار؛ هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای ذیربط در فرایند توسعه تعاونی‌های دانش‌آموختگان؛ تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICT)؛ انتخاب و تجلیل از شرکت‌های تعاونی نمونه دانش‌آموختگان و تدوین قوانین و دستورالعمل‌های دولتی الزام‌آور برای حمایت از شرکت‌های تعاونی دانش‌آموختگان. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل دهنده، این عامل تحت عنوان "ظرفیت‌سازی انگیزشی و نهادی" نام گرفت. مقدار ویژه این عامل ۷/۹۱ بوده و از تمامی عوامل دیگر بزرگ‌تر است. این عامل بیشترین تأثیر و اهمیت را در تبیین متغیرها داشته و در مجموع ۲۶/۳۷ درصد از کل واریانس متغیرها را به خود اختصاص داده است. بنابراین، با توجه به نتایج این مطالعه، در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان زن جویای کار در رشته‌های کشاورزی بیش از هر چیز ظرفیت‌سازی انگیزشی - نهادی می‌تواند نقش داشته باشد. یافته‌های حاصل از تحقیقات علی‌آبادی و همکاران (۱۳۸۹)، زارع (۱۳۸۷)، سعدی (۱۳۸۷)، گل محمدی (۱۳۸۴)، ری‌نولدز (Reynolds, 2006)، هایتون (Hayton, 2002)، رودریگز (Rodriguez, 2003) نیز مؤید همین مطلب‌اند.

عامل دوم (کارکردهای آموزشی - مشورتی)

متغیرهایی که در عامل دوم قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: آشنایی دانش‌آموختگان با ماهیت و اهداف بخش تعاون و شرکت تعاونی؛ افزایش اطلاعات دانش‌آموختگان نسبت به ظرفیت‌های اشتغال‌زایی بخش تعاون؛ آشنا نمودن دانش‌آموختگان با قوانین و مقررات تشکیل شرکت‌های

تعاونی؛ ارائه مشاوره به دانش‌آموختگان برای راه‌اندازی کسب و کارهای تعاونی؛ گذراندن دوره‌های کارآموزی در شرکت‌های تعاونی؛ ایجاد مراکز مشاوره‌ای در دانشگاه برای هدایت شغلی دانشجویان؛ برگزاری دوره‌های آموزشی در دانشگاه‌ها برای آموزش دانش و مهارت مورد نیاز دانشجویان. همان گونه که در جدول ۳ نیز مشخص می‌باشد مقدار ویژه این عامل برابر است با ۵/۷۶ که بعد از ظرفیت سازی انگیزشی - نهادی در رده دوم اهمیت قرار گرفته است. درصد واریانس مقدار ویژه این عامل ۱۹/۲۰ درصد است و نشان می‌دهد این عامل در مجموع ۱۹/۲۰ درصد از واریانس کل متغیرهای تحت بررسی را تبیین کرده است. آشنایی محدود دانش‌آموختگان مورد مطالعه با بخش تعاون و برنامه‌های آن تأکید دیگری بر ضرورت توجه به کارکردهای آموزشی است. در این مورد نتایج پژوهش‌های انجام شده از سوی علوی راد (۱۳۹۱)، چیدری و رسولی‌آذر (۱۳۸۷)، فرزین‌فر (۱۳۸۴)، نیک‌یار (۱۳۸۴) و هوشمند (۱۳۸۴) نیز با نتایج تحقیق حاضر هم‌خوانی دارد.

عامل سوم (تعامل با محیط‌های دانشگاهی)

متغیرهایی که در مجموع این عامل را ساخته‌اند عبارت‌اند از: آشناسازی استادان دانشگاه‌ها با اهداف و برنامه‌های بخش تعاون؛ اختصاص دروسی در برنامه‌های آموزشی دانشگاه برای معرفی بخش تعاون؛ حمایت از تشکلهای و تعاونی‌های دانشجویی (تمرین فعالیت تعاونی در دوران دانشجویی)؛ حضور مدیران و اعضای تعاونی‌های موفق در ارائه برخی دروس دانشگاهی نظیر کارآفرینی؛ حضور مستمر کارشناسان و مدیران بخش تعاون در دانشگاه‌ها. مقدار ویژه این عامل برابر با ۴/۵۹ است. درصد واریانس مقدار ویژه این عامل برابر با ۱۵/۳۲ درصد است که به این میزان واریانس متغیرها را تبیین می‌کند و سهم قابل توجهی از کل واریانس را به خود اختصاص داده است. نتیجه حاصل از این بخش با مطالعات موحدی و همکاران (۱۳۸۹)، شهبازی و علی بیگی (۱۳۸۸)، رادنیا (۱۳۷۸)، زمانی (۱۳۸۰) و امینی‌میلانی (۱۳۷۹) هم‌خوانی دارد.

عامل چهارم (کارکردهای هدایتی - حمایتی)

متغیرهایی که در مجموع این عامل را ساخته‌اند عبارت‌اند از: برخورداری تعاونی‌های دانش‌آموختگان از امکانات و تجهیزات مورد نیاز؛ شناسایی علایق و استعداد‌های دانشجویان به منظور پرورش و هدایت صحیح آن‌ها به سمت تعاونی؛ ارائه آموزش‌های تخصصی به اعضای شرکت‌های تعاونی دانش‌آموختگان؛ ارائه مشاوره‌های مدیریتی (مدیریت، بازاریابی، حسابداری) به شرکت‌های تعاونی دانش‌آموختگان؛ برخورداری تعاونی‌های دانش‌آموختگان از تخفیف‌های مالیاتی مناسب؛ برخورداری تعاونی‌های دانش‌آموختگان از تسهیلات و منابع مالی بانکی ویژه. این عامل نیز با توجه به متغیرهای تشکیل‌دهنده آن تحت عنوان "کارکردهای هدایتی - حمایتی" نام گرفت که مقدار ویژه‌ای برابر با ۲/۹۵ دارد و ۹/۸۶ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص داده است. هنری (Henry, 2005)، وونگ و همکاران (Wong et al., 2005)، برایز و همکاران (Bruynis et al., 2001)، صمدی (۱۳۸۹)، عباسی و قلی قورچیان (۱۳۸۸)، معینی‌کیا (۱۳۸۴)، بهرامی (۱۳۸۰)، ساکنی (۱۳۸۰) نیز در مطالعات خود به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق به شناسایی کارکردهای بخش تعاون در اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان کشاورزی زن جویای کار در شهرستان همدان پرداخته شد. با توجه به وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین نگرش پاسخگویان نسبت به تشکیل شرکت تعاونی با آشنایی آن‌ها با اهداف و برنامه‌های بخش تعاون، هرچقدر بتوان شرایطی فراهم آورد که دانش‌آموختگان کشاورزی بتوانند آگاهی‌های خود را از مؤلفه‌های اصلی تعاونی‌ها و به ویژه تعاونی‌های کشاورزی افزایش دهند، می‌توان نگرش آن‌ها را نیز در این زمینه ارتقا بخشید.

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که در مجموع، چهار عامل "ظرفیت‌سازی انگیزشی - نهادی"، "کارکردهای آموزشی - مشورتی"، "تعامل با محیط‌های دانشگاهی" و "کارکردهای هدایتی - حمایتی" از مهم‌ترین کارکردهای بخش تعاون در اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان از دیدگاه

فارغ‌التحصیلان زن در رشته‌های کشاورزی‌اند. لذا با توجه به نتایج به دست آمده در زمینه "ظرفیت‌سازی انگیزشی- نهادی" پیشنهاد می‌شود که دولت منابع مالی را برای دانش‌آموختگان زن جویای کار در نظر گیرد و وام و تسهیلات مناسب را در اختیار آن‌ها قرار دهد. در زمینه ارائه تسهیلات مادی، تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون به منظور حل مشکل وثیقه دانش‌آموختگان و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه برای تأمین تمام یا بخشی از آورده شرکت‌های تعاونی دانش‌آموختگان می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش گرایش افراد تحصیل‌کرده به بخش تعاون و اشتغال در این بخش محسوب شود. بازنگری‌های لازم در زمینه اصلاح قوانین و زیر ساخت‌های موجود نیز باید انجام گیرد و به عبارتی، قوانین طوری طراحی شود که زمینه کارآفرینی و خوداشتغالی دانش‌آموختگان زن جویای کار فراهم شود. در همین راستا، به منظور ورود دانش‌آموختگان به مشاغل خصوصی و خوداشتغالی، باید در برنامه آموزشی دوران تحصیل دانشجویان تغییراتی داده شود که از آن جمله می‌توان به فراهم‌سازی زمینه مناسب برای بازدید دانشجویان از شرکت‌های تعاونی، ایجاد روحیه خوداشتغالی در دانش‌آموختگان و حمایت از فعالیت‌های علمی و پژوهشی دانشجویان در قالب فعالیت‌های گروهی اشاره نمود.

دومین کارکرد مهم بخش تعاون در اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان از دیدگاه پاسخگویان، "کارکردهای آموزشی-مشورتی" بود. در این زمینه اقداماتی که می‌تواند مد نظر قرار گیرد عبارت‌اند از: افزایش مدت درس کارآموزی و بهبود سطح کیفی آن، اطلاع‌رسانی درباره برنامه‌ها و اهداف بخش تعاون و افزایش آگاهی دانش‌آموختگان در خصوص توانمندی‌های بخش تعاون در ایجاد فرصت‌های شغلی، ارائه راهنمایی‌های شغلی و خدمات مشاوره‌ای به دانش‌آموختگان و اطلاع‌رسانی در زمینه نیازهای بازار کار و غیره.

کارکرد بعدی "تعامل با محیط‌های دانشگاهی" بود که در درجه سوم اهمیت از دیدگاه افراد مورد مطالعه قرار داشت. با توجه به این نکته که دروس دانشگاهی تأثیر چندانی در آگاه ساختن دانشجویان از بخش تعاون ندارد، لذا در این زمینه "آشناسازی استادان دانشگاه‌ها با اهداف

و برنامه‌های بخش تعاون"، "اختصاص دروسی در برنامه‌های آموزشی دانشگاه برای معرفی بخش تعاون"، "حمایت از تشکلهای و تعاونی‌های دانشجویی (تمرین فعالیت تعاونی در دوران دانشجویی)"، "حضور مدیران و اعضای تعاونی‌های موفق در ارائه برخی دروس دانشگاهی نظیر کارآفرینی" و "حضور مستمر کارشناسان و مدیران بخش تعاون در دانشگاه‌ها" می‌توانند مثمر‌تر واقع شوند.

و در نهایت، کارکرد آخر "کارکردهای هدایتی-حمایتی" بود که در اولویت چهارم جای داشت. در این باره فراهم نمودن زمینه دستیابی به امکانات و تجهیزات مورد نیاز یکی از اقداماتی است که می‌تواند در توسعه تعاونی‌های دانش‌آموختگان مؤثر واقع شود. در همین راستا، با توجه به سیاست‌های اصل ۴۴ و حمایت از تعاونی‌ها، می‌توان به نحو مقتضی از این بستر قانونی برای اعطای برخی امکانات و تجهیزات به تعاونی‌های دانش‌آموختگان استفاده نمود. در همین خصوص و بر مبنای نتایج پژوهش، ارائه تسهیلات و منابع مالی بانکی ویژه، در نظر گرفتن تخفیف‌های مالیاتی مناسب، ارائه مشاوره‌های مدیریتی (مدیریت، بازاریابی، حسابداری)، ارائه آموزش‌های تخصصی به اعضا و شناسایی علایق و استعدادهای دانشجویان به منظور پرورش و هدایت صحیح آن‌ها به سمت تعاونی از دیگر مواردی به شمار می‌آیند که به تحقق اهداف تعاونی‌های دانش‌آموختگان کمک قابل توجهی می‌کنند.

منابع

۱. اردکانی، س.، توکلی، ح. و ده موبد، ب. (۱۳۸۷). موانع کارآفرینی و اشتغال در تعاونی‌ها، مطالعه دیدگاه‌های مدیران تعاون‌های استان یزد. *ماهنامه تعاون*، شماره ۱۹۶، ۳۷-۵۵.
۲. اسکندری، ف.، حسینی، م. و کلاتری، خ. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر عملکرد کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۴(۵۳)، ۱۰۷-۱۳۴.

۳. امینی میلانی، م. (۱۳۷۹). راهبردهای توسعه اقتصادی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴. اورنگی، م.، حسینی نیا، غ. و حیدری، ع. (۱۳۸۹). سنجش سازه‌های مؤثر بر گرایش دانش‌آموختگان و دانشجویان سال آخر رشته‌های کشاورزی به اشتغال در بخش تعاون استان خراسان جنوبی. *تعاون*، ۲۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۲.
۵. بهرامی، ف. (۱۳۸۰). اثربخشی برنامه‌های آموزشی دوره کارشناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز از دید دانش‌آموختگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی. گروه ترویج و آموزش دانشکده کشاورزی. دانشگاه شیراز.
۶. رادنیا، ح. (۱۳۷۸). مدل‌های آموزشی و طراحی آن‌ها. دومین همایش بررسی و تحلیل آموزش‌های علمی. دانشگاه جامع علمی کاربردی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. تهران
۷. رحیمی، ش. و واحدچوکده، س. (۱۳۸۷). تبیین جایگاه تعاونی‌ها در موفقیت کارآفرینان. *ماهنامه تعاون*، شماره ۱۹۶، ۶۹-۸۹.
۸. رسولی‌آذر، س. و چیدری، م. (۱۳۸۷). بررسی جایگاه تعاونی‌های کشاورزی در اشتغال مولد و کارآفرین. *ماهنامه تعاون*، ۱۹۷، ۴-۱۵.
۹. زارع، ر. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط بین سن، جنس و تحصیلات با ویژگی‌های کارآفرینی اعضای شرکت‌های تعاونی. *ماهنامه تعاون*، ۱۹۸-۱۹۹، ۳۴-۴۴.
۱۰. زمانی، غ. (۱۳۸۰). برآورد نیاز بخش عمومی به نیروی متخصص کشاورزی تا سال ۱۳۹۰. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۳۵، ۱۷۷-۱۹۵.
۱۱. سازمان نظام مهندسی استان همدان (۱۳۹۱). *آمار دانش‌آموختگان زن در رشته‌های کشاورزی در دانشگاه‌های شهرستان همدان*، گزارش منتشر نشده.
۱۲. ساکتی، پ. (۱۳۸۰). بررسی رابطه اشتغال در بخش غیردولتی با ویژگی‌های فردی، رشته تحصیلی، وضعیت اقتصادی دانش‌آموختگان شاغل در استان‌های جنوبی کشور (گروه نیازسنجی نیروی انسانی متخصص)، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

۱۳. سعدی، ح. (۱۳۸۷). بررسی چالش‌های تعاونی‌های تولید کشاورزی در کارآفرینی و ایجاد اشتغال، ماهنامه تعاون، شماره ۱۹۶، ۱۵۶-۱۷۲.
۱۴. شهبازی، ا. و علی بیگی، ا. (۱۳۸۵) واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۲ (۱)، ۱۵-۲۴.
۱۵. صبحی، ف. (۱۳۸۰). بررسی و تحلیل علل بیکاری دانش‌آموختگان (دیدگاه‌های مدیران بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و دانش‌آموختگان). گزارش نیازسنجی نیروی انسانی متخصص. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۱۶. صمدی، ع. (۱۳۸۹). بررسی راه‌های توسعه کارآفرینی در بخش تعاون و عوامل مؤثر بر آن در استان همدان. تهران: وزارت تعاون، واحد تحقیقات، آموزش و ترویج.
۱۷. عباسی، ح. (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر در گرایش افراد به ایجاد تشکلهای تعاونی در کهگیلویه و بویراحمد. یاسوج: اداره کل تعاون استان کهگیلویه و بویراحمد.
۱۸. عباسی، م. و قلی قورچیان، ن. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه تعاونی‌های دانش‌آموختگان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۳ (۲)، ۱۴۳-۱۷۰.
۱۹. علوی راد، ع. (۱۳۹۱). اشتغال زنان در ایران و آینده اشتغال زنان دانش‌آموخته (۱۳۸۵-۱۳۴۵). مجله سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸۸، ۱۱۶-۱۲۵.
۲۰. علی‌آبادی، و.، علی بیگی، ا. و توکلی، ج. (۱۳۸۹). الزامات شکل‌گیری تعاونی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی، مجله تعاون، ۲۱ (۴)، ۵۵-۷۰.
۲۱. فرزین‌فر، م. (۱۳۸۴). کارآفرینی و تعاون، مجموعه مقالات اولین کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد. اردیبهشت ۱۳۸۴.
۲۲. گل محمدی، ف. (۱۳۸۴). آموزش کارآفرینی و توسعه تعاونی‌ها دو راهکار اساسی اشتغالزایی دانش‌آموختگان کشاورزی در شرایط جهانی شدن اقتصاد در ایران. مجموعه مقالات سومین همایش مدیریت اشتغالزایی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.

۲۳. محمودیان، ح. و رشوند، م. (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۱۰(۱)، ۸۳-۱۰۴.
۲۴. معینی‌کیا، م. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل موثر در موفقیت تعاونی‌های استان اردبیل*. شورای تحقیقات تعاون. اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اردبیل.
۲۵. موحدی، ر.، اکبری، ر.، یعقوبی‌فرانی، ا. و خداوردیان، م. (۱۳۸۹). راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، ۳(۴)، ۸۵-۹۸.
۲۶. میرجلیلی، ف. (۱۳۷۸). *اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی و تأکید بر کارآفرینی به عنوان یک راهکار افزایش آن*. نشریه مجلس و پژوهش، ۴۹ و ۵۰، ۷۷-۹۱.
۲۷. موسوی، ع. (۱۳۹۰). *بررسی عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های کشاورزی در کارآفرینی و اشتغال در استان همدان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان.
۲۸. نوروزی، ا. و چیدری، م. (۱۳۸۵). *سازه‌های فرهنگی موثر در نگرش گندمکاران شهرستان نهاوند پیرامون توسعه آبیاری بارانی*. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۲(۲)، ۷۱-۵۹.
۲۹. نیک‌یار، ط. (۱۳۸۴). *عوامل موفقیت بخش تعاون در ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان بیکار*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد. اردیبهشت ۱۳۸۴.
۳۰. هوشمند، ن. (۱۳۸۴). *نقش و سهم تعاونی‌ها در اشتغال*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تعاون، اشتغال و توسعه. دانشگاه یزد. اردیبهشت ۱۳۸۴.

31. Antoncic, B., & Hisrich, R.D. (2001). Intrapreneurship: construct refinement and crosscultural validation. *Journal of Business Venturing*, 16(5), 495-527.

32. Bruyniș C., Goldsmith, P. D., Hahn, D. E., & Taylor, W. J. (2001). Critical success factors for emerging agricultural marketing cooperatives. *Journal of Cooperatives*, 16, 14-24.
33. Hayton, J.C. (2002). National culture and entrepreneurship: a review of behavioural research. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 26(4), 33-52.
34. Henry, C. (2005). Entrepreneurship education and training can entrepreneurship be though. *Journal of Education & Training*, 7(3),55-58.
35. Miller, P. W. (1998). Youth unemployment: does the family Matter. *Journal of Industrial Relation*, 40 (2),247-276.
36. Reynierse, J. H. (1997). An MBTI model of entrepreneurship and bureaucracy: the psychological types of business entrepreneurs compared to business managers and executive. *Journal of Psychological Type*, 40, 3-19.
37. Reynolds, A. (2006). An assessment of loan regulations for rural housing cooperatives. *UWCC Staff Paper*, 2, 12-13
38. Rodriguez, J. R. (2003). Educational level and training of human resources in farm cooperatives in the knowledge based society: an empirical study. *J. Agric. Cooper*, 31(2), 145-156.
39. Sadighi, H., & Mohammadzadeh, J. (2002). Extension professional staffs attitudes toward participatory approach of extention activities and rural development, Proceeding of the 18th Annual AIAEE Conference. Durban. South African.
40. Wong, P. K., Ho, Y.P., & Autio, E. (2005). Entrepreneurship, innovation and economic growth: evidence from GEM data. *Small Business Economics*, 24 (3), 335.

Functions of the Cooperatives in Facilitating the Employment of Agricultural Female Graduates in Hamedan Township

A. Yaghoubi Farani^{1}, G.H. Hosseininia², M. Motaghed³,
L. Zoleikhaie⁴*

Received: 11/09/2013 Accepted: 24/02/2014

Abstract

The main purpose of this survey research was to identify the most important functions of the cooperatives toward creating jobs for female graduates of agriculture in Hamedan Township. A sample of 120 graduates was randomly selected. The questionnaire's validity was verified by a panel of experts. Its reliability was acquired using Cronbach's Alpha coefficient (0.94). Based on factor analysis the functions of the cooperatives facilitating the employment of female graduates classified into four factors named institutional and motivational capacity building, providing advisory and educational services, interacting with higher education institutions, and providing guidance and supporting services which explained 70.75 percent of variances.

Keywords: Self-employment, Agricultural Female Graduates, Agriculture, Cooperatives

1. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

*Corresponding Author

E-mail: amyaghoubi@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Entrepreneurship in Technology, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Master Student, Department of Rural Development, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

4. Ph.D. Student, Department of Agricultural Development, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran